

**Analysis of the Role of Elections in the Realization of
Democracy Looking at Iran**

Ayat Mulaee¹
Linda Movassaghi*²

Received: 8 December 2023

Reception: 9 January 2023

Abstract:

The monopoly of governments in the hands of a ruling class has become a political and general tradition throughout history, however, in every society there are many citizens who are eager to play a role in the administration through paying taxes and serving the duty and time system through elections. To have a community. On the other hand, the right to determine the fate of the people, which is one of the natural and innate rights of all nations, gives them the authority and right to demand a government that obeys the law and leads them towards a lawful democracy. In this regard, since centuries ago, the institution of Parliament, Majlis, and Senate; Mehestan and Ghoriltai were formed so that the elected representatives of the nation and the citizens could demand their legal demands on their behalf. The best tool for the realization of these dreams has been the election based on the law, which today has become a completely conventional and usual issue and is the basis for the realization of democracy in all fields. The real concept of democracy in the third millennium is the rule of law and the establishment of human values centered on distributive justice. The research method in this study was descriptive-analytical. The findings of the research prove that the right to self-determination of the people by participating in free and informed elections can be the basis for the gradual establishment of democracy in societies, relying on the law.

Key words: elections, public rights, democracy, vote, electoral systems.

¹- Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz. Tabriz, Iran.

^{*2}- M.A. in Public Law, University of Tabriz. Tabriz, Iran. (Corresponding Author)

<http://doi.org/10.30510/pscci.2024.487288.1119>

تحلیل نقش انتخابات در تحقق دموکراسی با نگاهی به ایران

آیت مولائی^۳ تاریخ دریافت: ۱۷/۰۷/۱۴۰۲

لیندا موثقی^{۴*}

تاریخ پذیرش: ۱۹/۱۰/۱۴۰۲

چکیده

انحصاری بودن حکومت‌ها در دست یک طبقه حاکم در طول تاریخ به یک سنت سیاسی و عمومی مبدل شده است با این حال در هر جامعه‌ای شهروندان کثیری نیز زندگی می‌کنند که مشتاقند از طریق پرداخت مالیات و انجام خدمت نظام وظیفه و زمانی از طریق انتخابات نقشی در اداره جامعه و اجتماع داشته باشند. از سوی دیگر حق تعیین سرنوشت مردم که از حقوق طبیعی و فطری همه ملت‌ها است این صلاحیت و حق را به آنها می‌دهد که خواستار حکومتی شوند که هم مطیع قانون باشد و هم آنها را به سوی دموکراسی قانونمند سوق دهد. در این راستا از قرن‌ها قبل نهاد پارلمان، مجلس، سنا؛ مهستان و قوریلنای تشکیل شد تا نمایندگان منتخب ملت و شهروندان از سوی آنها به مطالبه خواسته‌های قانونی‌شان مبادرت ورزند. بهترین ابزار برای تحقق این رویاها، انتخابات به اتکاء قانون بوده است که امروزه به موضوعی کاملاً متعارف و معمول تبدیل شده و زمینه‌ساز تحقق دموکراسی در همه زمینه‌هاست. مفهوم واقعی دموکراسی در هزاره سوم حاکمیت قانون و استقرار ارزش‌های انسانی با محوریت عدالت توزیعی می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بود. یافته‌های تحقیق ثابت می‌کند که حق تعیین سرنوشت مردم با شرکت در انتخابات آزاد و آگاهانه می‌تواند زمینه ساز استقرار تدریجی دموکراسی در جوامع باشد آن هم با اتکاء قانون.

واژگان کلیدی: انتخابات، حقوق عمومی، دموکراسی، رای، نظام‌های انتخاباتی.

^۳ - دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

amulaee@tabrizu.ac.ir

^۴ * - دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز. (نویسنده مسئول) lmvs19034@gmail.com

مقدمه

علت ارزشمند بودن نظام دموکراسی در جهان امروز آن است که در این نوع حکومت، اقتدار و حاکمیت سیاسی از طریق مردم اعمال می‌شود به شکل مستقیم یا غیرمستقیم و این خود مردم هستند که حکومت می‌کنند و در این نظام‌ها به اصالت افراد و آزادی‌های مشروع ایشان در انتخاب فرمانروایان احترام گذاشته می‌شود و همین موضوع به ظاهر ساده باعث تحرک جامعه به سوی توسعه پایدار و استقرار عدالت توزیعی و اجتماعی در جوامع بشری می‌گردد. توضیح آنکه دموکراسی از لحاظ مشارکت مردم شامل سه قسم می‌گردد:

۱- دموکراسی مستقیم که مردم خودشان حکومت می‌کنند که این نوع دموکراسی فقط در سرزمین‌های کوچک با جمعیت اندک امکان‌پذیر است و مشخصه اصلی این نوع دموکراسی فقدان قوه مقننه است.

۲- دموکراسی غیرمستقیم که اقتدار ملت از طریق نمایندگان نشان داده می‌شود.

۳- دموکراسی نیمه مستقیم که با پیشنهاد قانون و درخواست از مردم برای شرکت در فرآیندوم این نوع دموکراسی تحقق می‌یابد. برگزاری فرآیندوم عضویت انگلستان در اتحادیه اروپا مصداق بارز این نوع دموکراسی می‌باشد که با جواب مثبت یا منفی انجام می‌شود (طباطبایی مومنی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳ تا ۱۳۰).

اصولاً در کشورهایی که دموکراسی برقرار است مانند سوئیس یا نروژ و دانمارک، قدرت با توسل به زور بدست نمی‌آید مانند کودتا که همانا انتقال قدرت از غیرنظامیان به نظامیان در پرتو اسلحه و عملیات شبانه نظامی است مانند برخی از کشورهای آفریقایی، بلکه از طریق انتخابات آزاد و عادلانه و منصفانه که با فعالیت احزاب توأم است حاصل می‌شود و فرمانروایان برای ۴ سال انتخاب می‌شوند. این نوع انتخابات تنها با رقابت سالم امکان‌پذیر است و حکومت‌های انتخابی تلاش می‌کنند که مطابق خواسته‌های رای دهندگان سیاستگذاری و تصمیم‌گیری نمایند و با تفکیک قوا و مشارکت همه قوا در اداره جامعه بتدریج دموکراسی حاصل می‌شود چرا که حکومت کردن خود هدف نیست بلکه ابزاری است در خدمت شهروندان و مردمی که سکنه یک کشور بوده و با اتکاء به حق تعیین سرنوشت قصد دارند که به سوی توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی گام بردارند. البته به طور معمول در فرهنگ علوم سیاسی و حتی حقوق عمومی

شیوه‌هایی که باعث کنترل قدرت و ایجاد محدودیت برای فرمانروایان می‌شود بر شمرده شده که عبارتند از: رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی مردم و شهروندان با اتکا به حاکمیت قوانین موجود بویژه قانون اساسی، قانونمند کردن صلاحیت‌ها و اختیارات حکمرانان در هر جامعه، صلح‌آمیز بودن انتقال قدرت از دولت‌های فعلی به دولت‌های منتخب بعدی و مشارکت رقبا در اداره امور جامعه مطابق روال معمول، تعیین زمان آغاز و پایان زمامداری دولت‌ها بویژه در کشورهای با نظام جمهوری، توزیع صلاحیت‌های سیاسی بر مبنای تخصص، تجربه و شایسته سالاری افراد جامعه و پاس‌خگو بودن حکمرانان هر جامعه در قبال تصمیمات متخذه سیاسی و حقوقی (خسروی، ۱۳۹۷، ۷۴-۷۳).

سوالات تحقیق در این پژوهش عبارتند از:

چه ارتباطی میان انتخابات و دموکراسی وجود دارد؟ نقش حاکمیت قانون در انتخابات چیست؟

به نظر می‌رسد که در صورتی که انتخابات صحیح و با رعایت مقررات قانونی برگزار شود قطعاً جامعه به سوی دموکراسی حرکت خواهد کرد. رعایت قانون در زمان برگزاری انتخابات می‌تواند باعث استقرار دموکراسی در جامعه گردد زیرا قانون معیار صحت و درستی همه اعمال بشری است. علاوه از آن نتایج تحقیق ثابت می‌کند که مبنای اصلی دموکراسی در جوامع انسانی برگزاری انتخابات سالم و صحیح با حضور همه احزاب و فعالان سیاسی در جامعه است و اینکه امکان رقابت میان ایشان فراهم گردد در این صورت دموکراسی تحقق خواهد یافت و منتخبین مردم تلاش خواهند کرد که خواسته‌های منطقی و قانونی رای دهندگان را برآورده سازند و فقط در این صورت است که جامعه شاهد و ناظر رفاه و توسعه اقتصادی خواهد شد.

۱- ترمینولوژی دموکراسی و چالش‌های پیش روی آن

برخی از علمای حقوق مفهوم انتخابات را با حقوق اساسی مرتبط دانسته و به برگزیده شدن نمایندگان مجالس مقننه اشاره دارند و انواع آن را شامل انتخابات اجباری، اختیاری، اکثریت آراء، تناسبی، جمعی، دو مرحله، صنفی، طبقاتی، عمومی، غیرمستقیم، فردی و مستقیم یا یک مرحله‌ای برشمرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹، ص ۹۱ تا ۸۹).

گفته شده که دموکراسی ناظر به حاکمیت همه مردم در همه امور جامعه است و دارای ریشه یونانی است که با انتخابات ارتباط وثیقی دارد و همه افشار جامعه در حکومت‌های دموکراسی حق اظهار نظر، مشارکت، کاندیدا شدن و رای دادن را دارا می‌باشند. فلاسفه یونان معتقد بودند که قدرت واقعی در هر جامعه متعلق به مردم است که این قدرت ناظر به قدرت سیاسی است که با حکمرانی در ارتباط است و هر کسی حق دارد با دارا بودن شایستگی و صلاحیت‌های واقعی سیاسی و تجربی وارد پروسه و ساختار قدرت شود. بنابراین در حکومت‌های دموکراسی سه اصل اساسی باید رعایت شود: اصل آزادی، اصل تساوی افراد در مقابل قانون و تصمیم‌گیری مطابق میل و خواست اکثریت افراد جامعه. دموکراسی در هیچ عصری با مونوکراسی^۵ و آریستوکراسی^۶ همخوانی نداشته و ندارد زیرا آنها یادآور حکومت‌های سلطه طلب باستانی بودند که جنگ را تبلیغ کرده از صلح به عنوان نقطه ضعف یاد می‌کردند. در حکومت دموکراسی، شهروندان و حاکمان همیشه در ارتباط با هم بوده و به عقاید هم احترام می‌گذارند و راه‌حل‌های صواب و صحیح اتخاذ می‌شود و این آراء اکثریت است که تعیین‌کننده کیفیت قوانین مصوب سنا یا پارلمان‌ها بود و نایبستی با محدودیت‌های غیرقانونی مانع آزادی بیان، عقیده و مشارکت شهروندان در اداره جامعه شد و در عین حال حقوق اقلیت نیز بایستی رعایت شود. جالب است که مفهوم دموکراسی در یونان باستان ناظر به حاکمیت اقلیت بر اکثریت بود و به هر کسی حق مشارکت و اظهار نظر در امور اداره جامعه داده نمی‌شد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴-۱۱۱-۱۰۴).

دموکراسی به آن نوع حکمرانی اطلاق می‌شود که مبتنی بر نظام ارزشی و بینشی آرمانی است و از طریق انجام رفتارندوم عمومی و همه‌پرسی استقرار می‌یابد. این نوع حکومتها با لحاظ اصول مترقی شکل می‌گیرند و کاملاً متکی به ارزشهای متعالی است و رشد مادی و معنوی شهروندان را سرلوحه تصمیمات خود قرار می‌دهد (خسروی، ۱۳۹۷، ۸۲). منتقدین تندرو و سوسیالیست‌ها، دموکراسی‌های غربی را مورد انتقاد قرار داده و اعلام می‌کنند که حامیان دموکراسی فقط وعده تحقق دموکراسی را می‌داده و مشت‌ی دروغ تحویل شهروندان می‌دهند. شهروندان بایستی از حقوق سیاسی و رسمی برابری برخوردار باشند اما در عمل با نابرابری و تبعیض

^۵ - Monocratie

^۶ - Aristoi

مواجهند. افراد متمول و شرکتهای بزرگ مشارکت جدی در انتخاب کاندیدا و احزاب دارند و تأثیری اساسی بر افکار عمومی می گذارند. آنها در حرف از تساوی سیاسی حمایت می کنند اما در عمل خلاف آن رفتار می کنند (Brighouse, 2002, 52).

البته در دنیای غرب منظور از دموکراسی همان سپردن کارها و اداره جامعه به افراد شایسته و متخصص و کارآمد است و از نظر فرهنگ سیاسی این احزاب هستند که قادرند افراد را با مفاهیم سیاسی آشنا ساخته و آنان را با تجارب سیاسی تربیت کنند و به عنوان سیاستمدار و سیاستگذار تحویل جامعه دهند. به نظر می رسد که انتخابات نوعی نظارت از سوی مردم است بر عملکرد و انتخاب فرمانروایان و کارگزاران حقوق عمومی که با رای مردم انتخاب شده و مشغول به خدمت می شوند (عمید زنجانی و موسی زاده، ۱۳۹۹، ص ۷۷). وجود نابرابری در توزیع منابع و امکانات از آفت های دموکراسی در عمل است. برای مشارکت در این نوع دموکراسیها سه ابزار مهم باید مدنظر قرار بگیرد که شامل زمان، پول و مهارت است و وجود نابرابری های اقتصادی در میان شهروندان از میزان مشارکت آنها در اداره جامعه و حمایت از نظم اجتماعی می کاهد زیرا آنها سهم بسیار جزئی در سیاستگذاری و تصمیم گیری های کلان جامعه دارند (Frazer, 2002, 73). در همه کشورها با استفاده از انواع نظارت ها تلاش می شود که مانع از وقوع تخلفات در اداره امور جامعه شوند که این نظارت ها شامل نظارت عمومی، نظارت سیاسی، نظارت تقنینی، نظارت مالی، نظارت قضایی، نظارت امنیتی، نظارت انضباطی و اداری و نظارت عقیدتی می گردد که هر یک کارکرد ویژه ای دارد (راسخ، ۱۴۰۰، ص ۶). البته برخی نیز معتقدند که دموکراسی های نظارتی به سه شیوه قابل مشاهده است که عبارتند از: نظارت دولتی که از سوی سازمان های دولتی بعمل می آید از جهت عملکرد نهادهای سیاسی و رعایت موازین حقوق بشر و شفاف سازی عملکرد دولت و نظارت مشترک که با تعامل سازمان های دولتی و جامعه مدنی انجام می شود مانند سازمان های غیردولتی و مردم نهاد و نظارت مدنی که اشاره دارد به نظارت از سوی شهروندان و فعالان جامعه مدنی به ویژه احزاب که نظارت آنها معطوف به منافع عمومی و کانون قدرت سیاسی و اقتصادی می شود (کلهر، ملک، مظهری، مولائی، ۱۴۰۱، ص ۲۸۰).

۲- اهمیت انتخابات از منظر حق تعیین سرنوشت

علی الاصول حق تعیین سرنوشت^۷ هم یک حق فردی است و هم جمعی و از موازین حقوق بشر محسوب می‌گردد تا مردم با اتکاء به این حق طبیعی و فطری قادر باشند که به تعیین وضعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی خویش مبادرت ورزند البته با شرکت در انتخابات که این میزان اختیار و صلاحیت فقط در حکومت‌های مردم سالار و حامی دموکراسی امکان‌پذیر است. از سوی دیگر در نظام‌های دموکراسی شهروندان از آزادی و برابری برخوردارند و صلاحیت تصمیم‌گیری جمعی را دارا می‌باشند و مطابق قوانین همه کشورها این حق داخل در مقوله حقوق اساسی بوده و در قانون اساسی همه کشورها به طور قطع به آن اشاره شده است. مهمترین شاخصه شناسایی حکومت‌های دموکراسی اعتبار بالایی است که آنها برای دموکراسی قائل هستند (خسروی، ۱۳۹۸، ص ۳۱).

در خصوص موازین حقوق بشر بیان این مطلب ضرورت دارد که نسل‌های حقوق بشری امروزه در سه قالب پی‌ریزی شده‌اند که عبارتند از: نسل اول حقوق بشر که شامل حقوق مدنی و سیاسی می‌گردد، نسل دوم حقوق بشر که مشتمل بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، نسل سوم حقوق بشر که حقوق جمعی و همبستگی نامیده می‌شود و شامل دو دسته حقوق می‌گردد که عبارتند از: دسته اول که شامل حق تعیین سرنوشت، حق توسعه و حق استفاده از میراث مشترک بشریت می‌شود و دسته دوم ناظر حق بر صلح، حق بر محیط زیست سالم و پایدار و حق استفاده از کمک‌های بشردوستانه و حق ارتباطات است (ساعد وکیل، عسکری، ۱۳۸۳، ص ۴۹-۴۸). این حق در تئوری و عمل از تناقضات بسیاری رنج می‌برد به طوری که اصل حق تعیین سرنوشت اصلی عام و کلی است و همه ملل جهان و سرزمین‌های غیرمستعمره و دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی را نیز شامل می‌شود و از سوی دیگر گاهی اوقات عامل به خطر انداختن تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورهای جهان است به طوری که در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط دوستانه به صراحت اعلام شده که اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها نبایستی باعث تضعیف تمامیت ارضی و وحدت سیاسی کشورها گردد. البته کشورهای جهان سوم

بر این باورند که این اصل ناظر بر سرزمین‌هایی است که تحت استعمار بسر می‌برند و تمهیدی است برای از بین بردن رابطه استعماری و پاره کردن زنجیر اسارت ملت‌ها. هند اعلام کرد که این حق بایستی فقط در مورد ملل تحت سلطه دول استعمارگر و استعمارگر کاربرد داشته باشد و اگر ملت تحت سلطه‌ای بتواند ثابت کند که دارای شخصیت حقوقی مستقل گردیده می‌تواند که با یک انتخابات سالم به تحقق حق تعیین سرنوشت مبادرت ورزند. این موضوع در مورد ستم علیه ملل تحت سلطه نیز قابل اجرا است. اصولاً هیچ دولتی حق مداخله در امور دیگر کشورها را ندارد آن هم بر مبنای اصل منع مداخله در امور داخلی دیگر کشورها. کشورها بر اساس این حق، صلاحیت دارند که در مقابل هر نوع مداخله خارجی مقاومت و اعتراض کنند و گاهی اوقات مداخله در امور داخلی دیگر کشورها می‌تواند ناقض حق تعیین سرنوشت ملت باشد. ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ به صراحت اعلام نموده که مبنای مشروعیت حکومت‌ها، خواست و اراده مردم است که از طریق انتخابات آزاد و سالم اعلام می‌شود و باید با رعایت عدالت و مساوات بین کاندیداها و رای دهندگان، انتخابات برگزار شود آن هم با رای مخفی بدون دخالت یا فشار از سوی دیگران (امیدی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶-۲۳۵). انتخابات می‌تواند تضمین کننده دستیابی ملت‌ها به حق تعیین سرنوشت خودشان باشد. این حق اجازه کسب استقلال و خودمختاری به برخی از سرزمین‌ها، اقوام و ملت‌ها را می‌دهد و همین طور تعیین رژیم سیاسی و حکومتی حاکم بر آنها با توسل به این حق است که ملت‌ها تعیین می‌کنند که می‌خواهند چگونه زندگی کنند (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶، ص ۱۵۲-۱۵۱). و حق تعیین سرنوشت با عدالت کاملاً سازگار است و همانطور که ارسطو اعلام داشته بود نوعی فضیلت اجتماعی است که در امور سیاسی نیز کاربرد دارد حق تعیین سرنوشت (ارسطو، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸۳). گفته شده که تنوع ساختاری و برخورداری از نظام‌های فرعی (احزاب سیاسی) می‌تواند باعث کثرت‌گرایی سیاسی در جامعه شود. این امر می‌تواند موجب گسترش انواع مبادلات بین قدرت‌های سیاسی موجود در جامعه که شامل دولت، احزاب و سازمان‌های غیردولتی است شود و توسعه سیاسی را به ارمغان آورد که به نوبه خود می‌تواند باعث بهبود شرایط اقتصادی در جامعه گردد (قوام، ۱۳۷۶، ص ۲۹۵). اصل حق تعیین سرنوشت در غیر از موارد استعمار قابلیت اجرا و استناد ندارد. توماس فرانک از طرفداران این نظریه است که معتقد است که این اصل نمی‌تواند

مجوزی برای جدایی طلبی باشد. اصل حق تعیین سرنوشت ملل در تعارض با اصل ثبات مرزهاست. او اعلام می‌کند تعارض موجود در اینجاست که تصور کنیم مردم از حق بر دموکراسی برخوردار دارند اما حق جدایی هیچ توجیه قانونی و مشروع ندارد زیرا جدایی طلبان، مردم تحت استعمار، محسوب نمی‌شوند و تا زمانی که مردم تحت استعمار استحقاق نیابند این اصل تجلی عینی پیدا نخواهد کرد (برانلی، ۱۳۸۳، ص ۵۵-۵۴). در بسیاری از کشورها نه تنها در انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس مردم به کاندیداهای مورد نظر خود رای می‌دهند بلکه در زمینه انتخاب شهرداری‌ها و شورای شهر و دهها مورد دیگر حتی انتخاب قضات دیوان عالی کشور و دیوان عالی فدرال نیز از پروسه انتخابات استفاده می‌کنند تا افراد شایسته و تحصیل کرده و با تجربه انتخاب و مسئولیت اداره جامعه را عهده‌دار شوند. در بسیاری از کشورهای اروپایی این روند مشاهده می‌شود و به همین جهت در بسیاری از کشورهای اروپایی و قاره اروپا هیچ وقت نمی‌توان شاهد وقوع کودتا بود. اساساً دموکراسی نمی‌تواند تنها متکی به انتخابات باشد بلکه به آگاهی‌های عمومی افراد نیز متکی است و مردم باید خود پذیرای دموکراسی باشند. مطابق اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امور جاری کشور با لحاظ انتخابات و آراء عمومی انجام میشود که شامل انتخابات ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضاء شوراها و موارد دیگر میشود و همین طور از همه‌پرسی و فراندوم در مواردی که اصول قانون اساسی مقرر کرده است استفاده میشود (بخش پژوهش دراک، ۱۳۹۹، ۱۰۲). در ایران تفکر نظامهای مردم سالار دینی بر مبنای نظام ارزشی و جهان‌بینی توحیدی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) شکل گرفت که مهمترین هدف از استقرار آن راهبرد جامعه با اصول مترقی اسلامی است و انعکاسی از جهان‌بینی الهی و توحیدی است و به رشد و توسعه مادی و معنوی جامعه توجه ویژه‌ای دارد (خسروی، ۱۳۹۷، ۸۲).

۳- مبانی و اصول حاکم بر دموکراسی

یکی از محورهای اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۰ میلادی حقوق بشر، دموکراسی و حکمرانی مطلوب است که به صراحت به ترویج دموکراسی و تقویت حاکمیت قانون پرداخته و احترام به موازین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را توصیه کرده است و این امر با احترام به اعلامیه

جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ آغاز شد. از سوی دیگر ترویج حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از شاخصه‌های اصلی تحقق دموکراسی است و در این راستا حقوق اقلیت‌ها نیز بایستی رعایت شود، همین‌طور مقابله با انواع خشونت و هر نوع تبعیض می‌تواند زمینه‌ساز تقویت دموکراسی در درازمدت باشد. دموکراسی از ملل جهان می‌خواهد که بردباری و شکیبایی خود را حفظ کنند و فعالیت‌های سیاسی فراگیر امکان‌پذیر باشد و این نقش مهم را بایستی رسانه‌های ارتباط جمعی تقویت کنند (ذاکریان، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹-۱۸۷-۱۸۶). مردم طبق قرارداد اجتماعی روسو در حالی از لندکی از حقوق خود می‌گذرند که قانونگذار و حاکم موضوع تساوی ایشان را در اقتدار ملی پذیرا باشد و مشارکت عموم مردم در حاکمیت باعث می‌شود که آزادی هیچ کس خدشه‌دار نشود و دولت فقط به اعمال حاکمیت پردازد و تبعیض و تجاوز در نظام دموکراسی سالبه به انتفاع موضوع است. البته این ایراد به روسو وارد است که تصور حضور و مشارکت همه مردم در دستگاه حکومتی در هیچ زمانی ممکن نبوده و نیست زیرا دولت و حکومت یک اقلیت ممتاز است که با داشتن تجارب گوناگون سیاسی توان اداره جامعه را دارند اما از مردم کوچه و بازار نمی‌توان انتظار داشت که در امور خرد و کلان کشوری تصمیمات صحیحی اتخاذ کند و در همه کشورها همه مردم قادر به رای دادن نیستند چرا که برخی از مردم مشکلات جسمی و روحی خود را دارند و اصلاً از سیاست سر در نمی‌آورند تا در این حوزه قلمفرسایی کنند. با این حال دولت یک اقلیت قدرتمند است که با پشتوانه حمایت اکثریت تصمیماتی را اتخاذ و به مرحله اجرا در می‌آورد. در کشورهای غربی ثروتمندان و صاحبان صنایع بزرگ از اقتداری شبیه حکومت‌ها برخوردارند و می‌توانند مسیر انتخابات را تعیین یا تغییر دهند منجمله آمریکا که دو حزب جمهوری خواه و دموکرات تعیین کننده خطوط سیاسی جامعه سرمایه‌داری آمریکا هستند.

در بسیاری از کشورهای وسیع و ثروتمند برخی از شهروندان ترجیح می‌دهند که از کشمکش‌های سیاسی فاصله بگیرند و خود را صالح به دخالت در این امور نمی‌دانند. در این صورت حق انتخاب مردم دچار محدودیت‌هایی می‌شود و رای دهندگان فقط باید به یکی از دو حزب رای دهد و حق انتخاب دیگری ندارد حال آنکه نه این احزاب را می‌شناسند و نه به آنها اعتماد دارند و گاهی اوقات اشخاصی انتخاب می‌شوند که روحیه مساعد و توان کافی برای حضور در قدرت را ندارند اما با انتخابات مردمی

روانه کاخ ریاست جمهوری یا نخست وزیری می‌شود. از سوی دیگر در انتخاب نمایندگان مجلس بایستی دقت کرد زیرا در چهار سال آینده آنها برای شهروندان قاعده‌سازی و قانونگذاری خواهند کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۲۶۷-۲۶۶). البته در عصر کنونی دموکراسی باید تکلیف خود را با جهانی شدن تعیین کند که آیا جهانی شدن می‌تواند مانع از استقرار دموکراسی شود یا نه و آیا اصولاً جهانی شدن می‌تواند روند استقرار دموکراسی را تسریع کند پاسخ به این سوال منوط است به شناخت ویژگی‌های جهانی شدن در یک نگاه گذرا که عبارتند از: افزایش مولفه‌های مدرنیسم در سطح جهان، تحرک آزادانه سرمایه‌گذاران در دنیا، حذف شدن تدریجی مرزهای جغرافیایی میان کشورها، تحدید حاکمیت‌های ملی و محدود شدن اقتدار سنتی آنها، استقرار ارزش‌های مشترک جهانی در سطح جوامع بشری، کوچک شدن جهان در پرتو پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی و اینترنتی به طوری که امروزه فضای سایبری یک جهان موازی قلمداد می‌شود با کارکردهای خاص خود، (اسعدی و اسعدی، ۱۳۹۲، ص ۲۲).

باید پذیرفت که دموکراسی یک ارزش جهانی است که بر مبنای آزادی بیان و عقیده شکل می‌گیرد تا مردم قادر باشند که آینده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خودشان را رقم بزنند و با آینده‌نگری زندگی خود و آیندگان را بهبود بخشند. البته دموکراسی می‌تواند از کشوری به کشور دیگر در عمل فرق کند و آن دموکراسی مدنظر حقوق عمومی است که با رعایت موازین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی توأم باشد چرا که دموکراسی تنها نظام سیاسی کاربردی در عصر کنونی است که می‌تواند برای همیشه بساط هرج و مرج را در دنیا جمع کرده و به فقر، بیکاری، یاس، گرسنگی، بی‌خانمانی و هزاران مشکل دیگر جهان معاصر خاتمه دهد (بعیدی‌نژاد، دریایی، علی‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۵۶۴).

۴- تنوع نظام‌ها و آراء انتخاباتی از منظر حقوق عمومی

انتخابات نیز مانند سایر نهادهای حقوقی از تنوع بسیاری برخوردار است و مردم و احزاب تحت نظام‌های متفاوتی متمایل به رای دادن می‌شوند. بدین ترتیب مهمترین نظام‌های انتخاباتی دنیا عبارتند از: نظام انتخاباتی اکثریتی، تناسبی، مختلط، نظام اکثریتی ساده، نظام رای دسته جمعی، نظام رای دسته جمعی حزبی، نظام رای بدیل، نظام دو مرحله‌ای، نظام تناسبی لیستی، نظام تک رای قابل انتقال، نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط، نظام‌های موازی،

نظام تک رای غیرقابل انتقال، نظام رای محدود، نظام انتخاباتی مبتنی بر شمارش بوردا، نظام‌های انتخاباتی دورگه، نظام اکثریتی ساده، نظام‌های دو مرحله‌ای، نظام رای‌دهی ترجیحی (رینولدز، رایلی، ایس و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۸ تا ۶). مهمترین عامل برتری نظام‌های انتخاباتی اکثریتی بر سایر نظام‌های انتخاباتی آن است که به طور متعارف از هر حوزه انتخابیه فقط یک نفر انتخاب می‌شود. در نظام اکثریتی ساده برنده انتخابات کسی است که بیشترین آراء را بدست آورده است اما نیازی نیست که اکثریت مطلق آراء را بدست آورد و اگر قرار باشد که بجای یک نفر، چند نفر انتخاب شوند در این صورت ما با نظام رای‌گیری دسته‌جمعی مواجهیم و کلنیدهایی که بالاترین میزان آراء را کسب کرده‌اند برنده انتخاباتند. در این نوع رای‌گیری مردم به لیست‌های احزاب رای می‌دهند. در انتخابات اکثریتی گاهی اوقات کلنیدهایی پیروز انتخاباتند که اکثریت مطلق آراء یعنی بیش از ۵۰ درصد آراء را بدست آورند. به مرحله دوم کشیدن برخی از انتخابات در سراسر دنیا ناظر به این موضوع است که کلنیدها دارای آراء مساوی هستند اما در رای‌گیری برای بار دوم بایستی بالاترین امتیازها کسب شود تا برنده انتخابات مشخص شود. در نظام‌های انتخاباتی تناسبی رای‌گیری با کرسی‌های پارلمان در تعامل است یعنی رای‌گیری تا زمان پرشدن کرسی‌ها ادامه خواهد یافت. ویژگی تناسبی بودن انتخابات بهترین طریقه برای استفاده از لیست‌های حزبی است به این ترتیب که در مناطقی که احزاب سیاسی لیست‌ها را مشخص می‌کنند و در سطح ملی معرفی می‌گردند تا مردم به آنها رای دهند. این نوع رای‌گیری یک نوع رای‌دهی ترجیحی هم هست و در نظام تک رای قابل انتقال رای دهندگان به ترتیب اولویت به کلنیدها رای می‌دهند و این روش نیز از کارایی مناسبی برخوردار است.

در نظام‌های مختلط که به نظام‌های موازی مشهورند از ویژگی‌های هر دو نظام اکثریتی و تناسبی استفاده می‌شود. با اینکه هر یک از این نظام‌ها به صورت مستقل عمل می‌کنند معهذاً آراء در نظام‌های مختلط نیز از تناسب عقلانی برخوردار می‌شود به طوری که در قاره آفریقا و کشورهای بلوک شرق در زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق از این روش استفاده می‌شد (رینولدز، رایلی، ایس و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۷ تا ۵۵).

۵- جهت‌گیری شروط ایجابی و سلبی در انتخابات

اصولاً ساختار انتخابات باید طوری طراحی شود که قادر باشد از حقوق انتخاباتی مردم حمایت کند و باعث روی کارآمدن حکومت‌های مردمی شود و حقوق آنها را رعایت کند. مهمترین مولفه‌های یک انتخابات دموکراتیک عبارتند از: شرایط انتخاب کنندگان از این جهت که آنها بایستی دارای انواع توانائی‌ها و ظرفیت‌های عقلانی و منطقی و عرفی باشند تا در تشخیص منافع اجتماعی خطا نکنند و به همین دلیل هر کسی نبایستی به خود اجازه کلندیدا شدن را بدهد زیرا قادر به اجرای وظایف نمایندگی نخواهد بود و اگر پارلمان‌ها از نمایندگان صلاحیتدار تهی باشد قطعاً قوانین مصوب نیز چندان مناسب اجتماع نخواهد بود. به همین جهت است که برای شرکت کاندیداها در انتخابات شروط ایجابی و سلبی تعیین شده که توجه به آن برای هر کاندیدی ضروری است از جمله: حداقل سن، تابعیت، داشتن اقامتگاه در حوزه انتخابیه، ممنوع نبودن از حقوق سیاسی، سلامت جسمی و روحی و اهلیت اخلاقی (خسروی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲-۱۳۱).

در کشورهایی که دموکراسی برقرار است از همه گروه‌ها دعوت می‌شود که در اداره جامعه مشارکت داشته باشند و افراد شایسته همه احزاب داخل مقوله و دستگاه قدرت می‌شوند تا برای رفاه جامعه بکوشند و مشکلات پیش‌رو را حل کنند ضمن آنکه هر کشوری که قصد داشته باشد نظام دموکراسی را در جامعه پیاده کند باید ابزارهای آن را نیز در این راستا بکار بگیرد تا به نتیجه مطلوب که به زمامداری است دست یابد و تنها در پرتو حاکمیت مطلوب، دموکراسی تحقق خواهد یافت که مترادف است با حاکمیت قانون و شایسته‌سالاری و داشتن برنامه‌ریزی برای اداره هر چه بهتر جامعه. همه تصمیم‌گیران و مقامات عمومی صلاحیت‌های خود را متکی به قوانین پارلمان می‌دانند. امروزه حتی اختیارات محدود پادشاه در انگلستان ناشی از حقوق کامن‌لا^۸ است که شامل اعلام جنگ و صلح، تصویب معاهدات صلح و اعزام نیروهای مسلح و دهها صلاحیت دیگر است که با مشارکت با مجلس عوام انجام می‌شود (Ganz, 1987, P.47).

۶- انعکاس حاکمیت قانون در برگزاری انتخابات و استقرار دموکراسی

رعایت حاکمیت قانون نه تنها در زمینه انتخابات و استقرار دموکراسی الزام‌آور است بلکه در کلیه امور این اصل بایستی لحاظ شود تا جریان امور بر مبنای صحیح پیش برود. به همین جهت است که گفته شده که حاکمیت قانون عملاً از بنیادهای اساسی صلح پایدار در هر اجتماع انسانی است و مبتنی بر اصولی است که آنها نیز بایستی مورد توجه قرار بگیرند از جمله: ارجحیت و اولویت قانون اساسی بر همه قوانین عادی و موضوعه، پیروی نهادهای اداری و قضایی از قانون و حقوق، منع هر نوع اقدام غیرقانونی از سوی قوه مجریه، ایجاد تسهیلات برای تمتع از حقوق اساسی بشری، تفکیک قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه با لحاظ همکاری آنها با هم، داشتن امنیت حقوقی از جهت شفافیت قوانین و مقررات، حمایت از حق خلوت و حریم خصوصی شهروندان و منع عطف به ماسبق شدن قوانین (قبح عقاب بلایان)، مسئولیت دولت در قبال شهروندان و جامعه بین‌المللی و ارزش‌های مشترک جهان شمول در زمینه صلح و حقوق بشر، رعایت عدالت و انصاف در همه امور، حق تظلم‌خواهی و استفاده از تضمینات حقوقی در دادگاه‌ها (فلسفی، ۱۳۹۰، ص ۴۱).

مهمترین خصوصیات حاکمیت قانون در موضوع انتخابات و تحقق دموکراسی آن است که قانون با کنترل و نظارت بر عملکرد افراد باعث بهبود کارکردها در سطح خرد و کلان می‌شود و از این جهت حاکمیت قانون از ارزش خاصی در رابطه با دموکراسی برخوردار است. ارسطو معتقد بود که حکومت بر مبنای قانون، برتر از حکومت بر مبنای اراده یک فرد (پادشاه یا امپراتور) است. به همین جهت است که قانون نزد عوام و خواص از احترام و ارزش و اقتدار بالایی برخوردار است و گاهی اوقات از حقوق جهانی یاد می‌شود که دلالت بر اهمیت حقوق از همه ابعاد دارد. فلاسفه و متفکران قرن سیزدهم معتقد بودند که حاکمان بایستی مطیع خداوند و قانون باشند زیرا تکیه زدن پادشاه بر تخت به موجب قوانین است و امضای منشور کبیر مگناکارتا در انگلستان در سال ۱۲۱۵ میلادی بدنبال تحقق حاکمیت قانون در روابط جان لکلند پادشاه انگلستان با مردم بود و به همین جهت بود که چهار قرن بعد در سال ۱۶۸۹ منشور حقوق موفق شد که پادشاه انگلستان را مطیع قانون سازد و مطابق این لایحه پارلمان در موضوع انتخاب پادشاه مشارکت داشت و مردم نیز از مداخلات غیرقانونی پادشاه در امان ماندند و بعدها هم حاکمیت قانون به صورت رسمی و قطعی وارد ساختارهای سیاسی قدرت حاکمه و احزاب شد و

جوامع اروپایی به تدریج به سوی دموکراسی گام برداشتند. از این سابقه تاریخی می‌توان نتیجه گرفت که هر نوع تصمیم‌گیری توسط فرمانروایان و دستگاه‌های حکومتی باید متکی و مستند به قانون باشد نه صرفاً میل و اراده فرمانروا، خواه این تصمیمات سیاسی باشد و خواه اداری و این شامل دستگاه‌های حکومتی نیز می‌شود تا ماموران پادشاه مجاز به تجاوز به حقوق مردم نباشند و در این راستا بهره‌گیری از انتخابات آزاد و سالم با رعایت قوانین می‌تواند نتایج خوشایندی برای جامعه داشته باشد که دموکراسی و حکمرانی مطلوب^۹ اولین گام‌ها برای خوشبختی ملل محسوب می‌گردد (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹-۱۱۸).

نتیجه گیری

صلح و عدالت از آرمان‌های سنتی بشریت در همه ادوار تاریخ است و بسیاری از حکومت‌ها در طول تاریخ تلاش کرده‌اند که به آن دو دست یابند و بسیاری نیز برای درهم کوبیدن و برچیدن صلح و عدالت کوشیده‌اند که حافظه تاریخ در این زمینه کاملاً گویاست با این حال مردم جوامع مختلف همیشه علاقمند بودند که سهمی در اداره جامعه و اجتماع داشته و حق داشته باشند که از حقوق طبیعی‌شان بویژه حقوق بشر متمتع شوند و در این راستا خواستار تشکیل حکومت‌ها و انتخاب فرمانروایانی بوده‌اند که با عدالت بر آنها حکومت کند. اما تحقق این آرمان منوط به مشارکت آنها در امور سیاسی بود که بتدریج موضوع انتخابات و داشتن نماینده‌ای از طرف خود در مجالس مقننه ضرورت پیدا کرد و در این ارتباط حتی مبارزات جدی در قالب انقلاب نیز آغاز شد که چهار مورد از مهمترین تلاش‌ها برای تحقق دموکراسی عبارت بودند از انقلاب انگلستان، انقلاب فرانسه، انقلاب آمریکا و انقلاب اکتبر روسیه که موفق شدند با محدود کردن اقتدار حاکمیت بلامنازع پادشاهان، امپراطورها و تزارها به تدریج به سوی آزادی و دموکراسی در مفهوم کنونی آن گام بردارند و موضوع انتخابات از یک موضوع لوکس و انحصاری به موازین حقوق اساسی مبدل شد. از سوی دیگر ضرورت انتخاب افراد شایسته برای قرار گرفتن در سمت نمایندگی مجلس و تصویب قوانین کارآمد بر اهمیت انتخابات افزود و با اینکه رابطه فرمانروا با مردم بر مبنای قرارداد اجتماعی تعریف شده معهذا اعلام گردیده که مردم نیز بایستی با انجام انتخابات قادر باشند در امور اساسی کشورشان مشارکت کنند زیرا همانطور که ژان ژاک روسو اعلام کرده بود اساساً خود دولت معلول قرارداد اجتماعی شهروندان است و دولت‌های منتخب نبایستی برخلاف اراده و رضایت مردم گام بردارند و در اینجا بود که موضوع دموکراسی مستقیم، غیرمستقیم و نیمه مستقیم مطرح شد که بسیاری از کشورهای اروپایی با داشتن باورهای رئالیستی و ایده‌آلیستی به سوی انجام انتخابات در امور مهم و استقرار عدالت اجتماعی و توزیعی و دموکراسی گام برداشتند و جنگ را برای همیشه از سیاستگذاری‌های خرد و کلان‌شان حذف کردند و ضمن احترام به حق تعیین سرنوشت شهروندان تلاش نمودند که آنها را به سوی توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی سوق دهند و برای تحقق این آرمان‌ها از بهترین تکنیک‌ها که همان انتخابات سالم و آزاد است متمتع شدند و بدین ترتیب دولت‌های خدمتگزار که مطیع

حاکمیت قانون و مشتاق دموکراسی بودند شکل گرفت. در عین حال مهمترین مزیت انتخابات سالم و آزاد استقبال از حضور همه احزاب و فعالان سیاسی بود که قادر باشند با رقابت سالم به قدرت دست یابند و بعد از اتمام دوران خدمت، قدرت را به منتخب بعدی انتخابات تحویل دهند و با این عمل به آراء شهروندان احترام گذاشته و فرصت خدمت را به همه بازیگران احزاب بدهند و خوشبختانه موضوع انتخابات امروزه آن چنان از جایگاه رفیعی برخوردار است که برای برگزیدن مدیران و مسئولان بسیاری از سازمانها و ادارات و شرکتها از ابزار کارآمد انتخابات استفاده می‌شود و به این ترتیب با انتخاب افراد شایسته بتدریج زمینه تحقق دموکراسی و مردم سالاری دینی که همانا حاکمیت قانون در همه امور خرد و کلان جامعه است را در جوامع انسانی شاهد خواهیم بود و حقوق همه انسانها رعایت خواهد شد و کلام آخر آنکه امروزه حکومت قانون، انتخابات و دموکراسی به ارزشهای متعالی جامعه بشری و خیر مشترک همه بشریت مبدل شده‌اند و هر روز پیش از قبل به اعتبار و منزلت آنها در جامعه بین‌المللی دولت‌ها و ملت‌ها افزوده می‌شود.

منابع

۱. ارسطو (۱۳۸۳). اصول حکومت آتن، با مقدمه دکتر غلامحسین صدیقی، ترجمه و تحشیه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، چاپ چهارم (اول علم)، تهران، نشر علم.
۲. اسعدی، سید حسن، اسعدی، سیده نگار (۱۳۹۲). دهکده جهانی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۳. امید، علی (۱۳۸۵). «قبض و بسط مفهومی حق تعیین سرنوشت در حقوق بین الملل»، مجله حقوقی، شماره سی و پنجم، ۲۵۰-۲۲۵.
۴. بخش پژوهش دراک: زیر نظر دکتر عبدالله شمس، (۱۳۹۹). قانون اساسی از فرمان مشروطیت تا امروز، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دراک.
۵. برانلی، ایان (۱۳۸۳). حقوق بین الملل در واپسین سالهای قرن بیستم، ترجمه صالح رضایی پیش رباط، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۶. بعیدی نژاد، حمید، دریایی، حسن، علی آبادی، مهدی (۱۳۸۴). [به سفارش] دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تحول در ساختار نظام ملل متحد، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۹). ترمینولوژی حقوق، چاپ سی و دوم با ویرایش جدید، تهران، انتشارات گنج دانش.
۸. خسروی، حسن (۱۳۹۷). حقوق اساسی (۳)، تهران، دانشگاه پیام نور.
۹. خسروی، حسن (۱۳۹۸). حقوق اساسی ۱، تهران، دانشگاه پیام نور.
۱۰. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۱)، حقوق بشر در هزاره جدید. چاپ اول، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۱. راسخ، محمد (۱۴۰۰). نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، چاپ هفتم (ویراست جدید با اصلاحات)، تهران، انتشارات دراک.
۱۲. رینولدز، آندره، رایلی، بن، البس، آندرو و دیگران (۱۳۹۰). دانشنامه نظام های انتخاباتی، ترجمه ابوذر رفیعی قهساره، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. ساعد وکیل، امیر، عسکری، پوریا (۱۳۸۳). نسل سوم حقوق بشر حقوق همبستگی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

۱۴. طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۹۴). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ ششم، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی، موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۹). نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۰). صلح جاویدان و حکومت قانون دیالکتیک همانندی و تفاوت، چاپ اول، تهران، فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم.
۱۷. قاضی «شریعت پناهی»، سید ابوالفضل (۱۳۹۹). بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ شصت و یکم، تهران، نشر میزان.
۱۸. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۶). «از کثرت‌گرایی سیاسی تا مردم‌سالاری»، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۲، تابستان: ۲۹۵-۳۱۱.
۱۹. کلهر، حسینعلی، ملک، سید حسین، مظهری، محمد، مولائی، آیت (۱۴۰۱). «گونه‌شناسی فرآیندهای نظارت سیاسی دموکراسی در بستر ارتباطات دیجیتال»، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال هشتم، شماره ۳۱، پائیز: ۲۷۵-۳۰۰.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). مبانی حقوق عمومی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۲۱. کریمی، عباس، کامیار، غلامرضا (۱۳۹۶). حقوق شهروندی در قلمرو شهرنشینی، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر با همکاری انتشارات دکتر عباس کریمی.
۲۲. نقیبی مفرد، حسام (۱۳۸۹). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، با دیباچه دکتر حسین شریفی طراز کوهی، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

1. Brighouse, Harry (2002). Democracy and Inequality, in Democratic Theory Today challenges for the 21st Century, Edited by April Carter and Geoffrey Stokes, First published, polity press, UK.
2. Frazer, Elizabeth (2002). Democracy, Citizenship and Gender, in Democratic Theory Today challenges for the 21st Century, Edited by April Carter and Geoffrey Stokes, First published, polity press, UK.
3. Ganz, Gabriele (1987). Understanding Public Law, First Published, Fontana press, London.